

(شرح حال ابن مقفع)

علت قتل ابن مقفع : در سنه ۱۳۷ عبدالله برادر زاده منصور که حاکم شام بود بمنصور خروج نمود و منصور او را شکست داد عبدالله حاکم شام بیصره فرار و به برادران خود پناهنده شد - منصور عهد الله را از برادران او درخواست کرد که باو تسلیم نمایند برادران وی امتناع ورزیدند و حاضر بقسامت مگر باقید امان دادن - منصور قبول نمود و شرط کردند که امان نامه را خود تنظیم نمایند - تنظیم امان نامه را بعهدہ ابن مقفع برگزار کردند ابن مقفع در تنظیم امان نامه شرایط سخت و مواد سنگینی تنظیم نمود که گماشتگان منصور نتوانستند تحمل آن

گوهی هستند در مقابل بادهای تند و این استقامت جز با نیروی توحید حاصل نمود نمود خود خواه و جاه طلب خیال کرد که میتواند با ابراهیم خلیل الله نبرد کند و با آتشیهای سوزان و افروخته خود او را بسوزاند و از صحنه اجتماع خارج کند چون در برده خود خواهی و جاه پرستی بود نقشه هایش همه نقش بآب شد و آن وادی وحشتناک و آن آتشیهای فراوان بقدره کامله حق برای ابراهیم گلستان با صفا گشت آن دشمن خدا نمری جز رنگ زردی از آن آتشیها نبرد تاریخ را بردارید نگاه کنید که همیشه حق غالب بوده است و مردان خدا بودند که مشکلات جهان را حل و بر گردنشان فائق آمدند زیرا نیروی ایمان دشمن را در نظر آنان کوچک و ذبون جلوه میدهد در پایان ذکر علل از خوانندگان گرامی استفهام چندی نموده و پس از آن از بیان سایر علل طرح بحث توحید نموداری کرده و وارد اصل مبحث توحید میشویم آیا بغیر از راه توحید توان راهی برای جمع متفرقات و اختلافات پیدا کرد ؟ و نفاقها را بوفاق و دشمنیها را بدوستی تبدیل نمود ؟ آیا جز راه توحید راهی است که مرتکبین جنایات و خیانتها را متنبه نموده و بوعید عذاب الیم و انتقام شدید در خوف و بیم اندازد ؟ یقینا جواب منفی است ما نیز بهمین علت در اولین شماره این مجله توحید را انتخاب کرده ایم چون معرفت بخدای لایزال سرچشمه همه فضائل و دافع و رافع همه رذائل است

با کلمه مثبت و منفی لا اله الا الله بشر با حرف لا که حرف نفی است همه مملکات را (کفر و ظلم و کبر و حرص و طمع و غیر ذلك) از خود دفع و دور و با کلمه مثبت الا الله همه منجیات را (علم و قدرت و شجاعت و عفت و حکمت) جذب خواهد نمود و همیشه لامپ وجودش با این دو سیم مثبت و منفی روشن و روغنای دهنده دیگران است (بقیه در شماره آینده)

شرایط را بنمایند و از اینجهت نزد منصور سعایت و تمامی نمودند و این امر سبب رنجیدن منصور از ابن مقفع گردید و کینه او را بدل گرفت .

بعلاوه در زمان امارت و فرمانروائی سفیان (ابن مقفع) احترامی جهت سفیان قابل نبود و بلکه همواره او را مسخره میکرد و او را حقیر و خفیف میشمرد - این امور سبب گردید که ابن مقفع مورد عداوت و کینه شدید قرار گرفت و منصور سوگند یاد نمود که اگر دسترسی باین مقفع دست دهد او را بشدیدترین وضعی بقتل رسانند - سر انجام چنین شد و باو دست یافتند و سفیان ابن مقفع را در سن ۳۶ سالگی بشدیدترین وضعی بقتل رسانید (در سال ۱۴۲ هجری)

تهمت ابن مقفع بزندقه - ابن مقفع یکی از اشخاصی است که به تهمت زندقه بودن منسوب گردیده است و در این باره زبان طعنه گویان و دشنام دهندگان بر وی زیاده است و حتی یکی از اموریکه سفیان سبب قتل وی بیان میکند موقمی که از طرف خلیفه مورد سرزنش قرار گرفت گفت که زندقه بود (قال انه زندقه) اشخاص بسیاری هستند که باین تهمت منسوب میشوند ولی پس از دقت و تفحص و امعای نظر در حالات خلفاء عباسی ملاحظه خواهد شد که بعضی از امور سیاسی که بر خلاف امور جاری و عادی است سبب این تهمت گردیده است

برخی را عقیده بر آنست که ابن مقفع تصمیم به تصنیف « درة الیتیم » میکرد و آن کتاب معارض باقرآن کریم است و چون این نوشته وی معارض با قرآن است روی ابن نظر او را زندقه میدانند ولی این امر درست و صحیح نیست و ثابت نشده است - چه که ابن مقفع از لحاظ دیانت و اخلاق از کسانی است که از قوانین اسلام پیروی نمیکرده است و حتی در این امر دیگران را تشویق و تحریص مینمود و نسبت بصحابه و جزیره عربستان از نظر اینکه آنان صحابه صدر اسلام هستند بدیده احترام مینگریست و این صراحت و احترام ابن مقفع دلیل بر پاک بودن وی از این تهمت و دوری او را از این افترا میسرساند و در کتاب یقیمه او هم چیزی یافت نشده که از او رائج معارضه استشمام شود و بتوان او را معارض با قرآن قرار داد و در ذکر کتاب و آثار ابن مقفع باین موضوع اشاره خواهد شد .

و اذا تتبعت کتبه التي کتبها بعد اسلامه ولا تحظت ما علیها من طابع الاخلاق والتدين والافتباس من الآداب الاسلامیه يظهر لك الامر (۱) حتی انه كان مجردا للمنصور فی الرسالة الصحابه علی احترام وملاحظه جزیره العرب والعرب ...
وهذه الصراحة من ابن المقفع فی ذلك الوقع الذی ساد فيه العنصر الفارسی
دلالة علی بعده عن هذه التهم الخ .

(۱) - « محدث قمی مرحوم حاج شیخ عباس در کتاب (تمة المنتهی) صفحه ۱۱۶ چنین مینویسد : و در سنه ۱۴۵ یا در سنه ۱۴۲ عبد الله بن مقفع را سفیان بن معاویه والی بصره بتحریر منصور بکشت و او را در تنور افکند و سوزانید و ابن المقفع و ابن ابی العوجاء و ابنی طالوت و ابن الاعمی جماعتی بودند از زنادقه و ابن المقفع در اصل مجوسی بوده و کتاب کلپله و دمنه را او عربی کرده در زمان منصور « (مترجم)